



Role of Non-Governmental Organizations and Local Communities on the Social Empowering of Informal Settlements

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Ganjloo A.*¹ MA,
Saeedi Mofrad S.¹ PhD

How to cite this article

Ganjloo A M, Saeedi Mofrad S. Role of Non-Governmental Organizations and Local Communities on the Social Empowering of Informal Settlements. Geographical Researches. 2019;34(4):483-491.

¹Department of Urban Planning, Faculty of art and architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

*Correspondence

Address: No. 39, No. 1, Sharif Street, No. 59, Vakilabad, Vakilabad Boulevard. Mashhad, Iran
Phone: +98 (51) 38941923
Fax: +98 (51) 38941923
ganjlooa@yahoo.com

Article History

Received: September 15, 2019
Accepted: December 21, 2019
ePublished: December 11, 2019

ABSTRACT

Aims & Backgrounds Informal settlement is one of the most important urban problems that reduces the level of quality and quantity of life. So far, different ways of organizing informal settlements have been presented, but the empowerment strategy has a high status in order to reduce physical, economic and social inequalities in the world. Among the solutions to the complex problems of these settlements, the presence of representatives of Non-governmental Organizations and Community Based Organization are as a communication link between the government and residents in empowering informal settlements to carry out actions in the cultural and social fields.

The study intends to answer the question of how non-governmental organizations and community based organization play a role in the social empowerment of informal settlements. The case study is the old road of Quchan which is one of the identified area of informal settlements in Mashhad and is located in the northwest.

Methodology This qualitative research is based on grounded theory which is conducted in 2018 among members of non-governmental institutions and local communities located in the old road of Quchan. Eleven semi-structured interviews were conducted with active members until saturation occurred.

Findings In open coding stage of data analysis, 403 raw data, 20 concept, and 7 categories were obtained. Three categories including social trust to organizations, limitations of organization income and limited workability of organizations were selected as a central phenomenon.

Conclusion In general, it can be said that the Non-governmental Organizations have a high tendency towards social trust and acceptance, but they are not legally recognized due to economic and financial problems, the inability to provide the costs of the local problems, solve the needs of the residents and empower the neighborhoods, so their demands are not recognized too.

Keywords Informal Settlement; Empowering; Non-governmental Organizations, Community Based Organization, Grounded theory

CITATION LINKS

[Akbari; 2015] Identification of urban injuries and abnormalities in urban neighborhoods (the old road of Quchan), Research Report, Mashhad Municipality, Cultural and Social Studies Office; [Asian Development Bank; 2010] Access to justice for the urban poor: Toward inclusive cities; [Barry & Ruther; 2005] Data collection techniques for informal settlement upgrades in cape town, south Africa; [Bashirieh; 2001] Lessons for democracy for all; [Sargolzaei Javan & Hadiani; 2016] Emphasis on empowering informal settlements through increasing social capital in the Shirabad neighborhood of Zahedan; [Kamley & Rezaei; 2011] Factors influencing information intelligence on public organizations in Hamadan city in 2008; [Karl; 2012] Participation in upgrading of informal settlements; [Gharkhlo & Mire; 2007] Social empowerment, a way for marginalization (Sheikh Abad Qom); [Majidi & Hemisi; 2013] Investigating the role of political and security factors in the policymaking of Iranian people's institutions; [Mayer; 2003] Building community capacity: The potential of community foundations; [Moshiri, et al; 2013] The position of social capital in empowering and organizing communities living in informal settlements; [Movahed, et al; 2013] The role of NGOs in participating in the reconstruction of old tissues geography Case Study: The worn-out texture of the central part of Ahvaz. Geography; [Mashhad Municipality; 2013] Cultural and social pathological researches and needs assessment in Mashhad; [Narayan; 2002] Empowerment and poverty reduction: A sourcebook; [Rostamzadeh; 2012] Organizing and empowering informal settlements in urban neighborhoods by studying the attitudes of local residents, case study: Tohid neighborhood, Bandar Abbas city; [Saeedi Razvani & Fatemi; 2017] Research method in urban studies; [Sajadi & Sadeghi; 2009] Establishment of NGOs to organize informal settlements case of Islamshahr, Mianabad; [Shekeri & Bargoziideh; 2007] Management of local organizations and municipalities; [Roosta & Sarvar; 2014] Principles and foundations of empowerment of target areas for urban renewal and improvement programs (informal settlements and worn out buildings); [UN-Habitat; 2005] Slums of the World, the face of urban poverty in the new millennium? United Nations: UN-HABITAT

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای محلی در توانمندسازی اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی

عاطفه گنجلو (نویسنده مسئول) * MA

گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

ساناز سعیدی مفرد PhD

گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

اهداف و زمینه‌ها: اسکان غیررسمی یکی از مهم‌ترین معضلات شهری است که سبب کاهش سطح کمی و کیفی زندگی می‌شود. تاکنون روش‌های مختلفی برای ساماندهی اسکان غیررسمی ارائه شده که با شکست مواجه شده‌اند، اما راهبرد توانمندسازی به‌منظور تقلیل نابرابری‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در دنیا جایگاه بالایی دارد. از جمله راهکارهای حل مسایل پیچیده این سکونتگاه‌ها، حضور نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای محلی در ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی به‌عنوان حلقه ارتباطی میان دولت و ساکنان جهت انجام اقداماتی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی است. این پژوهش در نظر دارد که به این سؤال پاسخ دهد که سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای محلی چه جایگاهی در توانمندسازی اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی دارند. محدوده انتخاب‌شده تحقیق، هسته جمعیتی جاده قدیم قوچان است که یکی از هسته‌های شناسایی‌شده سکونتگاه‌های غیررسمی در مشهد بوده و در شمال غرب واقع شده است.

روش‌شناسی: این مطالعه کیفی به روش داده‌بنیاد، در سال ۱۳۹۶ در اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای محلی هسته جمعیتی جاده قدیم قوچان انجام شد. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ نفر از اعضای فعال انجام شد تا به مرز اشباع رسید.

یافته‌ها: در مرحله کدگذاری باز با تحلیل خط به خط تعداد ۴۰۳ داده خام، ۲۰ مفهوم و ۷ مقوله به‌دست آمد. سه مقوله اعتماد اجتماعی به سازمان، محدودیت در درآمد سازمان و توانایی کاری محدود در سازمان به‌عنوان پدیده‌های مرکزی انتخاب شدند.

نتیجه‌گیری: سازمان‌های مردم‌نهاد تمایل بالایی به اعتماد اجتماعی و پذیرش توسط ساکنین محلات دارند اما بنا به دلایل مسایل اقتصادی و مالی و عدم توانایی در تأمین هزینه‌ها به‌منظور رفع مشکلات محلات و نیازهای ساکنین و به‌طور کلی توانمندسازی محلات محدود، جایگاه قانونی ندارند و خواسته-هایشان به رسمیت شناخته نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسکان غیررسمی، توانمندسازی، سازمان‌های مردم‌نهاد، تشکلهای محلی، نظریه داده‌بنیاد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

*نویسنده مسئول: ganjlooa@yahoo.com

مقدمه

از دهه‌های گذشته در کشور به دلایل متعدد در کلان‌شهرها، مناطقی خودرو گسترش یافته که دارای محیط کالبدی فاقد خدمات شهری موردنیاز جهت سکونت بوده و ساکنین از این بابت تأمین

نمی‌شوند. پیامد چنین روندی، شکل‌گیری اسکان غیررسمی و شرایط نامطلوب محل زندگی است [UN-HABITANT, 2005]. با توجه به اینکه اسکان غیررسمی به سبب باز تولید فقر و گسترش آن، به مخاطره انداختن کیفیت محیط‌زیست و تحمیل هزینه گزاف برای حل مشکلات آن، تهدید جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری به شمار می‌رود، نیازمند تدابیر ویژه برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده است. در حال حاضر با توجه به آمار موجود در حدود ۸ میلیون نفر در ایران در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند که از دهه ۷۰ به بعد با گسترش ابعاد آن نه تنها سکونتگاه‌های غیررسمی بلکه در مواردی حتی مناطق دیگر را نیز تحت تأثیر قرار خواهند [Rostamzadeh, 2012]. بنابراین عدم مداخله به شیوه‌ای که باعث بهبود کیفیت زندگی ساکنان شود ممکن است به ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود [Barry & Ruther, 2005]. با توجه به اینکه حاشیه‌نشینی شهری، یکی از بزرگترین معضلات شهری است؛ لذا تاکنون روش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی به‌منظور حل مسائل و مشکلات ناشی از حاشیه‌نشینی ارائه شده است که با شکست مواجه شده‌اند؛ بنابراین راهبرد توانمندسازی به‌منظور تقلیل نابرابری‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و غیره. امروزه در ادبیات ساماندهی اسکان غیررسمی در دنیا جایگاه بالایی دارد [Gharkhlo & Mire, 2007]. توانمندسازی، زمینه‌سازی برای ارتقای شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به کارگیری ظرفیت‌های موجود است. لذا درگذر زمان و با شکست رویکردهای گذشته به چاره‌جویی برای سکونتگاه‌های غیررسمی، در رویکردهای نوین توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، تأکید زیادی بر تقویت سرمایه اجتماعی شده است [Moshiri et al, 2013].

ازجمله راهکارهای حل مسائل پیچیده این سکونتگاه‌ها، حضور نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای محلی در ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی به‌عنوان حلقه ارتباطی میان دولت و ساکنان جهت انجام اقداماتی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی از جمله ترغیب ساکنان جهت حضور و مشارکت در ستادهای اجرایی یا بهسازی مناطق، تلاش در جهت افزایش حس قانون‌پذیری و فرهنگ انضباط اجتماعی، جذب کمک‌های مالی مردمی و غیره است.

واژه توانمندسازی در بافت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختلف معانی متفاوتی را به خود می‌گیرد که شامل کنترل، قدرت متکی به خود، اتکاء به خود، انتخاب، زندگی شرافتمندانه مطابق با ارزش‌های خویش، ظرفیت‌چالش و مقابله بر سر حقوق خویش، آزادی، آگاهی و توانایی است که در درون نظام‌های ارزشی جوامع جای دارد. با این حال بانک جهانی تعریف رسمی این واژه را این چنین بیان داشته است: توانمندسازی عبارت است از گسترش دارایی‌ها و توانایی‌های افراد فقیر به‌منظور مشارکت، چانه زنی، تأثیرگذاری، کنترل و حفظ مؤسسات پاسخگویی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند [Narayan, 2002: 13]. به عبارتی

مجامع غیردولتی گفته می‌شود که باهدف و نیت کمک به مستمندان، اقشار کم‌درآمد، ایتمام و گسترش و ترویج آداب و فرهنگ اسلامی توسط گروهی از افراد خیر و نیکوکار با حمایت مالی، همکاری و مساعدت مردم و بعضاً دستگاه‌های دولتی ایجاد و تأسیس می‌گردند و با توجه به اهداف و انگیزه‌های مختص خود در ایران با عناوین مختلف از جمله مؤسسات یا بنیاد، صندوق قرض‌الحسنه، انجمن، کانون و جمعیت فعالیت دارند، لیکن در نهایت هدف واحدی را دنبال می‌نمایند و در سطح جهانی نیز سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) شناخته می‌شوند [Kamley & Rezaei, 2011]. در زمینه بنیان‌های نظری سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توان گفت از آنجا که اصطلاح سازمان غیردولتی یا سازمان مردم‌نهاد ترجمه‌ای از اصطلاح لاتین بوده و اساساً مفهومی وارداتی است، چارچوب‌های نظری مربوطه نیز در قالب نظریه‌های جامعه‌شناختی غربی ارایه گردیده‌اند. اما از سوی دیگر می‌بینیم که در دیدگاه اسلامی، تعاون، همکاری و مشارکت از جایگاه مهمی برخوردار است و تشکل‌های مردمی با چارچوب‌های نظری دینی نیز قابل‌تعریف هستند [Majidi & Hemisi, 2013]. در متون متفکران غربی پیدایی و تداوم فعالیت سمن‌ها ریشه در تاریخ تحولات مغرب زمین دارد [Bashirieh, 2001].

سازمان‌های مردم‌نهاد جایگزینی برای بخش دولتی در ارایه خدمات محسوب می‌شوند. برای آنکه در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود و کارایی خدمات و طرح‌های دولتی نیز بیشتر گردد، دولت‌ها به این سمت روی آورده‌اند که قراردادهای مشترکی را با سازمان‌های مردم‌نهاد منعقد کنند، یا این‌که تخفیف‌ها یا امتیازهای ویژه‌ای را برای فعالیت‌هایی که در دست انجام دارند و متناسب با خدمات دولتی است در نظر بگیرند. در سطح محلی طرح‌های کوچک بسیاری وجود دارد که حجم کار زیادی را بر دوش دولت گذاشته است، سازمان‌های مردم‌نهاد نقش بسیار مهمی در اجرای این قبیل طرح‌های کوچک که متناسب با توان و تخصص آنهاست، دارند. درعین حال منابع مالی که از این طریق در اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد قرار می‌گیرد باعث ثبات و استمرار آنها و ارتقای ظرفیتشان در رسیدن به اهداف می‌شود نتیجه این تعامل آن است که شهروندان خدمات بیشتری را آن هم با کیفیت بهتر، در اختیار خواهند داشت [Shekari, 2007].

این الگوی جدید برنامه‌ریزی بر نقش مشارکتی مردم و اجتماعات محلی توجه ویژه دارد و با توجه به ویژگی‌هایی چون مشارکتی‌بودن، رویکرد فرآیندی به برنامه‌ریزی، افزایش کنترل مردم بر معیشت و زندگی روزمره و عرضه طرح‌ها و برنامه‌هایی که با نیازها و وضعیت محلی اجتماعات ارتباط و وابستگی بیشتری دارد، می‌تواند به‌عنوان الگوی مطلوب پیشرفت در برنامه‌ریزی و مردم‌سالاری مدنظر قرار گیرد. براساس این رویکرد، توسعه را نمی‌توان برای انسان‌ها به ارمغان آورد و یا بر آنها تحمیل کرد. انسان‌ها باید به‌عنوان آفرینشگران فعال در فرآیند تکوین و تولید توسعه مشارکت داشته باشند [Mayer, 2003]. به‌طور کلی دلایل

دیگر تقویت توانایی گروه‌های محروم برای استفاده از فرآیندها و ساختارهای رسمی به‌منظور دستیابی به منابع، خدمات و فرصت‌ها است [Asian Development Bank, 2010: 10].

توانمندسازی دارای جنبه‌های مختلفی نظیر توانمندسازی بازار، توانمندسازی سیاسی و توانمندسازی اجتماع محلی است اما از آنجایی که رویکرد این پژوهش اجتماعی بوده، این بخش به مفهوم و اهداف توانمندسازی اجتماع محور پرداخته شده است. توانمندسازی اجتماع محور، فرآیندی مشتمل بر حذف محدودیت‌ها و موانع ساختاری است که از طریق آن فرد یا اجتماع، ضمن مشارکت، امکان ارزشیابی اقدامات منجر به تغییر و بهزیستی را بر پایه بینش‌ها و ظرفیت‌های خود و یا اجتماع پیدا می‌کند.

اهداف توانمندسازی اجتماع‌محور نیز به شرح زیر است: افزایش سطح اعتماد و باور جامعه محلی به خود در رفع مشکلات محلی، سازمان‌یافتن جامعه محلی در مسیر پرداختن به مشکلات و مسائل خود، افزایش دانش و مهارت و قابلیت نهاد اجتماع محور محلی درباره تحلیل و بسیج جامعه محلی، افزایش دانش و مهارت و قابلیت نهاد اجتماع محور محلی نیازسنجی و اولویت‌بندی و افزایش دانش و مهارت و قابلیت نهاد اجتماع محور محلی درباره تعریف، اجرا و ارزیابی اقدامات و طرح‌های مداخله‌ای [Roosta & Sarvar, 2014: 159].

سازمان‌های اجتماع‌محور مردم‌نهاد، شامل جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی و خودجوش برآمده از درون مردم است که داوطلبانه در جهت توسعه رفاه اجتماعی و عرضه خدماتی عمومی در سطح اجتماعات شهری یا روستاها فعالیت می‌کنند و در کاهش آلام و فقر جامعه، بهبود زندگی مردم و توانمندسازی افراد اجتماع نقش مهمی دارند. این نوع از سازمان‌های مردم‌نهاد غالباً ویژگی‌هایی همچون کنش اجتماعی، روابط درونی، روابط پایدار مستمر، هدف مشترک، احساسات مشترک و سازمان‌یافتگی دارند و از طریق آنها اعضای جامعه در امور اجتماع، شهر و روستا شرکت می‌کنند و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند [Lawani, 1999].

سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل ارتباط تنگاتنگ با آحاد مختلف مردم و جلب اعتماد آنان، می‌توانند در کنار دولت به عنوان بازوان اجرایی یا فکری فعالیت کنند. اصل کلی و مشترک تمامی مراکز غیردولتی همیاری مردم در جهت دستیابی به توسعه پایدار و متوازن و در نهایت ایجاد جامعه مدنی مترقی است. به همین جهت این سازمان‌ها در مجامع بین‌المللی به عنوان یکی از ابزارهای پنگانه به‌شمار می‌روند؛ چون در قالب تشکل‌های خودجوش مردمی نمود پیدا کرده و با بسیج امکانات، نیروها و توان اجتماعی را برای خدمت به توسعه و سازندگی جامعه تقویت می‌کنند [Department of Women's Affairs, 1998].

در تعریف ارایه‌شده در دستورالعمل صدور و تمدید مجوز مؤسسات غیرانتفاعی (۱۳۸۴/۳/۲۹)، اشاره می‌گردد: به کلیه تشکیلات و

اجتماع محوری و با تأکید بر مشارکت‌های مردم را مورد قضاوت قرار داده است که نتیجه حاصل بیان کننده فقدان مدیریت منسجم به‌منظور جلب مشارکت‌های مردمی بوده که با نتیجه پژوهش فوق‌همخوانی دارد. کارل فیر [Karl Fyhr, 2012] در پژوهش خود مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی را بررسی می‌کند و درصدد آن است که به این سؤال پاسخ دهد که رویکردهای متفاوت ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی مشارکتی چگونه است و چه کسانی باید در فرآیند برنامه‌ریزی مشارکت کنند. این پژوهش متعقد است که در فرآیند توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد و اجتماعات محلی باید به‌عنوان پل ارتباطی بین مردم و دولت همکاری کنند تا بهترین نتیجه به دست آید.

نقش مذهبی مشهد و جذب زائر و گردشگر، این شهر را به یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران تبدیل کرده است که می‌تواند تأثیرات بسیار زیادی را بگذارد. بنابراین مسائل و مشکلات آن باید به‌طور جدی دنبال شود و راه‌حل ارائه شود. یکی از معضلاتی که در اثر افزایش جمعیت به وجود آمده است، اسکان‌های غیررسمی است که نیازمند مدیریت شهری دقیق است تا این جمعیت ساماندهی شوند. که در این راستا توانمندسازی این سکونتگاه‌ها به‌عنوان راهکاری موثر مطرح است. به‌منظور موفقیت بیشتر طرح‌های توانمندسازی، توجه به نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد) و تشکل‌های محلی در فرآیند تهیه طرح‌ها بسیار حائز اهمیت است به گونه‌ای که می‌توان نقش حلقه ارتباطی میان دولت و ساکنین را ایفا نمایند تا با انجام اقداماتی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی از جمله ترغیب ساکنان جهت حضور و مشارکت در ستادهای اجرایی یا بهسازی مناطق، تلاش در جهت افزایش حس قانون‌پذیری و فرهنگ انضباط اجتماعی، جذب کمک‌های مالی مردمی و غیره موفقیت طرح‌ها را به حداکثر رساند و به بهبود وضعیت زندگی در این سکونتگاه‌ها کمک کند.

در این راستا این تحقیق در نظر دارد تا با بررسی جایگاه نهادهای غیردولتی (مردم‌نهاد) و تشکل‌های محلی در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و ارائه راهکارهایی جهت برقراری ارتباط بین ستاد ساماندهی و توانمندسازی (با حضور نمایندگان تمام سازمان‌های مردم‌نهاد و محلی) و ساکنان گامی در جهت بهبود وضعیت سکونتگاه‌ها بردارد. زیرا حضور شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری و نزدیکی و هماهنگی آنان با مسئولان و متخصصان، در دستیابی هرچه سریع‌تر به خواسته‌ها و نیازهایشان مطابق با شرایط زندگی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، از طریق فرآیند شهرسازی مشارکتی و مردمی میسر می‌شود.

روش‌شناسی

این مطالعه کیفی در سال ۱۳۹۶ در هسته جمعیتی جاده قدیم قوچان به‌عنوان یکی از ۸ هسته شناسایی‌شده سکونتگاه‌های غیررسمی در مشهد بوده انجام شد. این پهنه فقر شهری دارای هسته روستایی بوده و ۱۱ محله شهری را در شامل می‌شود.

متعددی برای مشارکت‌دادن شهروندان در اداره امور شهرها وجود دارد؛ گسترش ارزش‌های فرهنگی که هنجارهای برابری و مردم‌سالاری را تقویت می‌کند و به افزایش تقاضای شهروندان برای مشارکت می‌انجامد و دگرگونی‌هایی که در میزان بهره‌مندی از آموزش، سن و سطح درآمد شهروندان پدید آمده است، هم‌انگیزه برای مشارکت جوانان تحصیل‌کرده و متعلق به طبقه متوسط را افزایش داده و هم مشارکت را بالا برده است. مشارکت در امور مختلف موجب افزایش کارایی شده است.

مطالعات انجام‌شده در حیطه پژوهش را از دو جنبه داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می‌دهیم. جوان و هادیانی [Sargolzaei, Javan & Hadiani, 2016] در پژوهشی امکان توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان را با چهار شاخص اصلی ارزیابی کرده‌اند. در این پژوهش سرمایه اجتماعی (مشارکت، اعتماد، همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی) به‌عنوان متغیر مستقل و ابعاد توانمندسازی (کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد که نتایج ضریب همبستگی بالایی را نشان می‌دهد و با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. موحد و همکاران [Movahed et al, 2013]، در پژوهشی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت‌های فرسوده را در بافت فرسوده بخش مرکزی شهر اهواز ارزیابی کرده و به دنبال بررسی ارائه الگوهای مشارکت و نهادهای مردمی در تجدید حیات دوباره بافت‌های فرسوده شهری هستند. بیشترین تأکید این پژوهش بر روی متغیرهای رضایت، نهادهای مردمی، موانع اجتماعی و فرهنگی و درآمد است علیرغم اینکه در پژوهش حاضر نقش توان سازمان‌ها معیار برجسته توانمندسازی است. سجادی و صادقی [Sajadi & Sadeghi, 2008]، در پژوهشی تحت عنوان تشکیل نهادهای غیردولتی در راستای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی «مورد اسلامشهر، میان‌آباد» همچون پژوهش حاضر تلاش کرده‌اند که از جنبه‌های خاص که شامل NGOs است وارد موضوع شده تا راهکاری مناسب جهت ساماندهی این سکونتگاه‌ها ارائه دهند. نتایج مطالعات نشان دهنده وجود نهادهایی است که قادر و مایل به مشارکت با مدیریت شهری برای پیشبرد برنامه‌های ساماندهی محله هستند. سعیدی رضوانی و همکاران [Saeedi Rezvani et al, 2017] در پژوهشی سه شهر شیراز، کرمانشاه و سنندج را به‌منظور ارزیابی عملکرد برنامه‌های توانمندسازی مشارکتی در آنها برگزیده‌اند تا کمیت و کیفیت اقدامات صورت گرفته در آنها را مورد بررسی قرار دهند. این پژوهش با تأکید بر معیارهای مشخص همچون توجه به توانمندسازی اقتصادی، توجه به توانمندسازی کالبدی، توجه به گروه‌های مختلف اجتماعی در فرآیند توانمندسازی، مشارکت ساکنان در مدیریت بهسازی، توجه به توانمندسازی فرهنگی و توجه به توانمندسازی اجتماعی، میزان موفقیت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی محلات هدف براساس

قدیم قوچان بودند. در ابتدا بر مبنای روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی از هر یک از افراد مصاحبه‌شونده خواسته شد به سئوالات مصاحبه پاسخ دهند. بر این اساس مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته انجام گردید. بدین صورت که مصاحبه باز بود و در آن اجازه پرداختن به ایده‌های جدید داده شد تا در طول مصاحبه به‌عنوان یک نتیجه از آنچه مصاحبه‌شونده می‌گوید به ارمغان آورد. جمع‌آوری داده‌ها تا زمان رسیدن به اشباع اطلاعاتی (کفایت نظری) ادامه یافت.

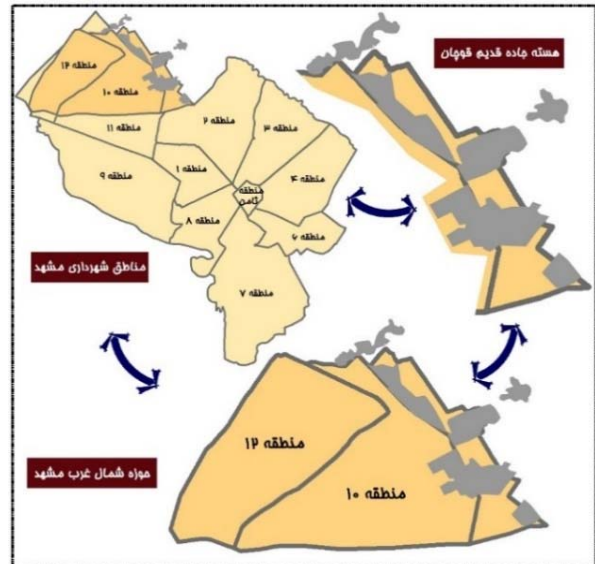
سنجش اعتبار سازه‌ای تحقیق از طریق جمع‌آوری داده‌ها از منابع متعدد و ایجاد تلتیث از پرسش‌های مصاحبه و تحلیل موارد منفی به‌دست آمده و انعطاف‌پذیری چارچوب تئوریک پیشنهادشده، حاصل گردید و سنجش اعتبار درونی تحقیق از طریق انتخاب نمونه مناسب جهت پرمایگی اطلاعات و سنجش اعتبار بیرونی از طریق انتخاب مناسب حجم نمونه برای تکرارپذیری تئوریک انجام پذیرفت. همچنین برای رسیدن به پایایی پژوهش موارد ذیل لحاظ گردید:

- ۱- استفاده از فرآیندهای ساختاریافته از مصاحبه‌های همگرا
- ۲- سازماندهی فرآیندهای ساختاریافته برای ثبت نوشتن و تفسیر داده‌ها
- ۳- وجود حداقل دو نفر برای انجام مصاحبه به صورت جداگانه اما موازی با یکدیگر و مقایسه یافته‌های دو محقق
- ۴- استفاده از کمیته راهنما برای ارزیابی و اجرای برنامه مصاحبه (رسیدن به اجماع نظر)

جاده قدیم قوچان با مساحت ۶۸۰/۵۴۵۱ و ۱۲۷۰۹۲ جمعیت، دارای ۱۱ محله به نام شهرک امام علی، شهرک شهید مطهری، شهرک امام هادی، شهرک حجت، مهدی‌آباد، شهرک نوید، کال زرکش، بحرآباد، قائم، کوشک مهدی و صیدآباد است.

در تحقیق حاضر هدف از نمونه‌گیری کسب اطلاع از افراد است که در سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی محدوده مورد مطالعه فعالیت دارند که مصاحبه‌ها با ۱۱ نفر از اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی انجام شد و به اشباع نظری رسید. از آنجایی‌که نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند بود، با کمک شهرداری‌های مناطق ۲ و ۱۰ سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی برای مشارکت در مصاحبه انتخاب شدند که جزء گروه‌های فعال در محدوده بوده و بیشترین ارتباط را با ساکنین داشته و آگاهی کامل از نیازها و مشکلات محلات محدوده داشته‌اند. این سازمان‌ها شامل کانون فرهنگی حضرت حجت با فعالیت در زمینه‌های کتابخانه، آموزش قرآن و نهج‌البلاغه و ساخت صنایع‌دستی، مؤسسه فرهنگی ولی‌عصر با فعالیت در زمینه‌های شناسایی نیازمندان، برگزاری کلاس‌های آموزشی، مشاوره، توزیع غذا و مددجویی، مرکز نیکوکاری شهید مطهری با فعالیت در زمینه‌های جذب خیرین، شناسایی نیازمندان، توزیع غذا و تهیه جهیزیه و شوراهای اجتماعی محلات نوده، مشهد قلی، حجت، مهدی‌آباد، امام هادی و خاتم‌الانبیاء بود که مشارکت‌کنندگان این

مالکیت زمین‌های محور قدیم قوچان ملکی و آستانه بوده و غالب واحدهای مسکونی آن کم‌دوام است. ارزانی زمین، عدم پرداخت مالیات و عوارض شهرداری و مساعدبودن منطقه برای جذب مهاجر، علت‌های اصلی گسترش این هسته را رقم می‌زند. بررسی وضعیت اجتماعی و مدیریتی این هسته نیز حکایت از ضعف مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مردمی در توانمندسازی بافت و طرح‌های توسعه شهری دارد (شکل ۱).



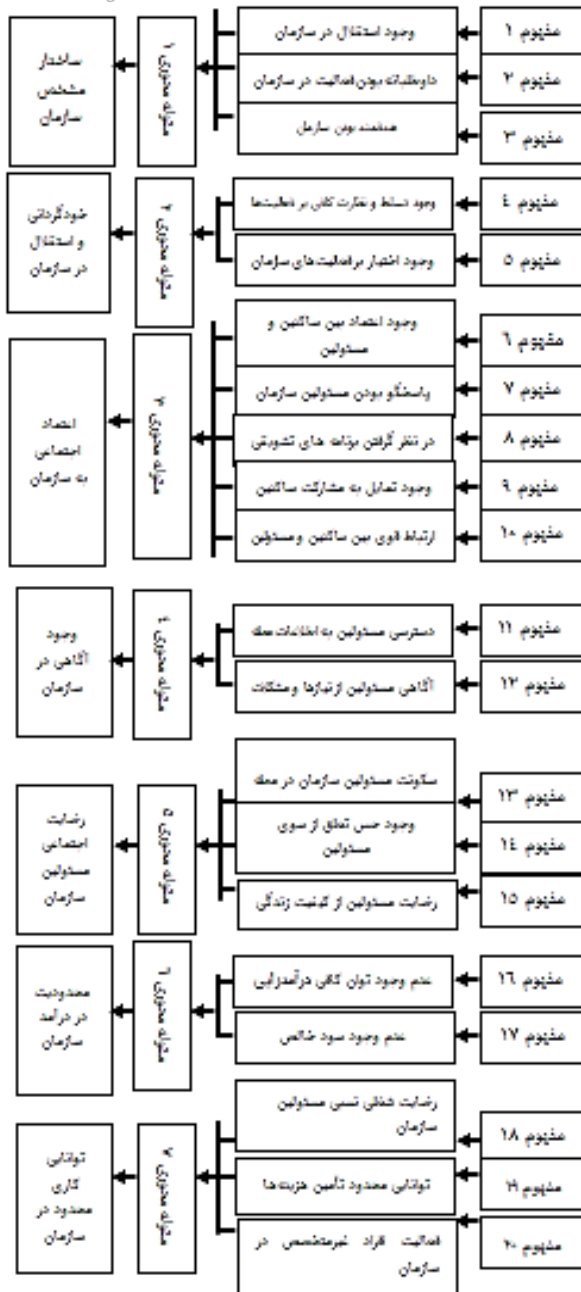
شکل ۱) جایگاه هسته جمعیتی جاده قدیم قوچان در کلانشهر مشهد

از آنجایی که مساله این پژوهش، مساله‌ای با رویکرد کیفی و نشأت گرفته از موضوعات اجتماعی ساکنین پهنه شهری محور قوچان است، روش کلی این پژوهش بر پایه پارادایم تفسیرگرایی است که تحقیقات کیفی را هدایت می‌نماید.

باتوجه به جنبه نوآوری و جدیدبودن مساله جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، و اینکه نظریه‌ای در این باب در حوزه تخصصی برنامه‌ریزی شهری که بتواند به‌عنوان یک الگوی نظری برخاسته از زمینه در روند پژوهش کمک نماید، موجود نیست. به همین جهت از میان طرح‌های تحقیق کیفی درصد استفاده از طرح تحقیق نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) برآمدیم.

نظریه داده‌بنیاد، روشی است که در آن نظریه مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به‌صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند. در این روش، پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، مگر آنکه منظور او بسط یک نظریه موجود باشد (عدم شروع کار بر پایه نظریه‌های پیشین، مگر در جهت بسط نظریه پیشین)، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گردآوری می‌کند، پدیدار گردد.

جامعه مورد پژوهش در مطالعه حاضر اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی موجود در هسته جمعیتی جاده



شکل ۲) فرآیند تبدیل مقولات محوری از مفاهیم مربوطه

شرایط علی تأثیرگذار: حمایت های مادی و معنوی سازمان از نیازمندان، ارتباط سازمان با ساکنین و همدلی با آنها، برنامه های سازمان به منظور جلب مشارکت ساکنین، عدم اختصاص بودجه کافی به سازمان از سوی سازمان های بالادست، اختصاص بودجه موجود سازمان به برنامه های حمایتی محلات محدود، اجرای برنامه های حمایت از نیازمندان در محلات محدود و رضایت نسبی ساکنین از طرح های اجرا شده توسط سازمان ها در جهت ارتقاء محلات از جمله شرایط علی تأثیرگذار در مقولات مرتبط هستند.

شرایط مداخله گر: سکونت مسئولین سازمان در محلات محدود، وجود حس تعلق در محلات محدود، یکپارچگی قومیتی و طبقاتی بین

شوراها نیز جزء افراد کلیدی در محلات محدود بوده و کاملاً به صورت هدفمند انتخاب شدند. تکنیک های گردآوری اطلاعات و داده در این پژوهش عبارت بودند از:

۱- مصاحبه نیمه ساختاریافته با اعضای فعال در سازمان های مردم نهاد و تشکل های محلی نظیر شورای اجتماعی محلات هسته جمعیتی جاده قدیم قوچان که معیارهای خصوصی بودن، داوطلبانه بودن، نوع هدف، تسلط و نظارت بر فعالیت ها، اختیار در ابراز عقاید، اعتماد بین مردم و مسئولان، پاسخگو بودن، داشتن برنامه های تشویقی، زمینه های مشارکت ساکنین، ارتباط با ساکنین، دسترسی به اطلاعات تخصصی، آگاهی نسبت به مسائل و مشکلات محله، مدت سکونت در محل، حس تعلق، رضایت از کیفیت زندگی در محله، نوع درآمد، توزیع سود خالص، رضایت شغلی، توانایی تأمین هزینه ها و داشتن تخصص کافی از این طریق جمع آوری شد.

۲- مطالعات اسنادی، به منظور مطالعه نشریات، بروشورها، دستورالعمل ها و وبلاگ های سازمان های مردم نهاد و تشکل های محلی که توسط شهرداری های مناطق ۲ و ۱۰ در اختیار قرار گرفت. این اسناد، اطلاعات بسیار مفیدی را در رابطه با شناسایی محلات هدف، فعالیت سازمان های مردم نهاد و شوراهای اجتماعی محلات هدف و اعضای آن در اختیار قرار داد. این اسناد شامل سند شناسایی آسیب ها و ناپهنجاری های شهری [Akbari, 2015]، همچنین طرح نیازسنجی فرهنگی و اجتماعی خانوارهای محلات که به تفکیک محلات دریافت شد [Mashhad Municipality, 2013].

نظریه حاصل از پژوهش، نظریه ای فرآیندی است که با استفاده از شیوه های منظم گردآوری داده ها، به تشخیص مقوله ها، مضمون ها و برقراری رابطه میان این مقوله ها پرداخته و در نهایت نظریه ای برای تبیین یک فرآیند عرضه می شود.

یافته ها

مصاحبه شوندگان ۱۱ نفر از اعضای سازمان های مردم نهاد و تشکل های محلی بودند. مصاحبه ها تحلیل خط به خط شد و پس از پدیدار شدن مقوله های آغازین به کدگذاری جملات و پاراگراف ها اقدام شد.

در مرحله کدگذاری باز با تحلیل خط به خط تعداد ۴۰۳ داده خام، ۲۰ مفهوم و ۷ مقوله به دست آمد (شکل ۲).

در کدگذاری محوری سه مقوله اعتماد اجتماعی به سازمان، محدودیت در درآمد سازمان و توانایی کاری محدود در سازمان به عنوان پدیده های مرکزی انتخاب شدند.

شرایط زمینه ای: همدلی و یکپارچگی محلات محدود، سکونت اقشار فرودست در محلات محدود و بومی بودن مسئولین سازمان از جمله شرایط زمینه ای هستند.

پدیده نیز می‌توان از آگاهی مسئولین سازمان از نیازها و مشکلات محلات، وجود حس تعلق مسئولین سازمان به محدوده به‌دلیل سکونت در محلات، عدم اولویت نیروهای متخصص و باسابقه به‌منظور همکاری با سازمان، رضایت شغلی نسبی مسئولین سازمان و عدم وجود منبع درآمد مشخص به‌منظور تأمین هزینه‌ها نام برد. راهبردهای ارائه‌شده برای این پدیده نیز ارایه ضوابط و مقررات توسط سازمان در جهت جذب افراد متخصص، برقراری ارتباط قوی بین سازمان و ساکنین به‌منظور آگاهی کامل از نیازها و مشکلات محلات محدود و ارایه برنامه‌های درآمذزایی برای سازمان در جهت تأمین هزینه‌ها و افزایش کارایی سازمان است. درنهایت نیز باید این نکته را در نظر داشت که توجه به برنامه‌های درآمذزایی برای سازمان و استفاده از نیروهای متخصص سبب افزایش توان کاری سازمان می‌شود.

بحث

اعضای شورای اجتماعی محلات مورد مطالعه و سازمان‌های مردم‌نهاد با علاقه‌مندی و آگاهی و باهدف خدمت‌رسانی وارد فعالیت در این تشکل‌ها می‌شوند و نسبت به فعالیت‌های خود دارای جدیت عمل هستند. این علاقه‌مندی و جدیت برخاسته از حس تعلق به محله و تمایل کمک به هم نوع است و در صورت رفع نیازهای ساکنین و مشکلات محله، احساس توفیق و کامروایی می‌کنند و آنان را به فعالیت‌های هرچه بیشتر در آینده تشویق می‌کند. نگرش مثبت ساکنین به سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی و تمایل آنها به مشارکت در جهت حل مشکلات محلات، احساس امیدواری و توفیق را در بین اعضای سازمان بیشتر می‌کند. از جمله آسیب‌ها و مشکلات سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی، حساسیت قشر ضعیف ساکن در محلات است که در صورت تصور نادیده گرفته‌شدن توسط اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، عدم توجه به نیازها و مشکلات آنان، عدم پاسخگویی مسئولین سازمان نسبت به مطالبات ساکنین و عدم تعامل با آنها، به دلسردی ساکنین منجر می‌شود و عدم تمایزشان به مشارکت در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های محلی را به دنبال دارد. به‌عبارت‌دیگر زمانی که ساکنین نیازهایشان را به سازمان‌های مردم‌نهاد و شوراهای اجتماعی محلات منعکس می‌کنند و نتایج حاصل نمی‌شود، ساکنین با دیدی منفی به آنان می‌نگرند و اعتمادشان نسبت به تشکل‌های محلی کاهش می‌یابد و به‌مرور زمان از بین می‌رود. از طرف دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد تمایل بالایی به اعتماد اجتماعی و پذیرفته‌شدن توسط ساکنین محلات دارند اما به‌دلیل عدم توانایی در تأمین هزینه‌ها به‌منظور رفع مشکلات محلات و نیازهای ساکنین و به‌طور کلی توانمندسازی محلات محدود، در نظام مدیریت محله به حاشیه رانده شده‌اند و از جانب سازمان‌های بالادست رها شده‌اند. بدین منظور برای تقویت عملکرد این سازمان‌ها، راهبردهایی به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- پاسخگوبودن مسئولین به ساکنین

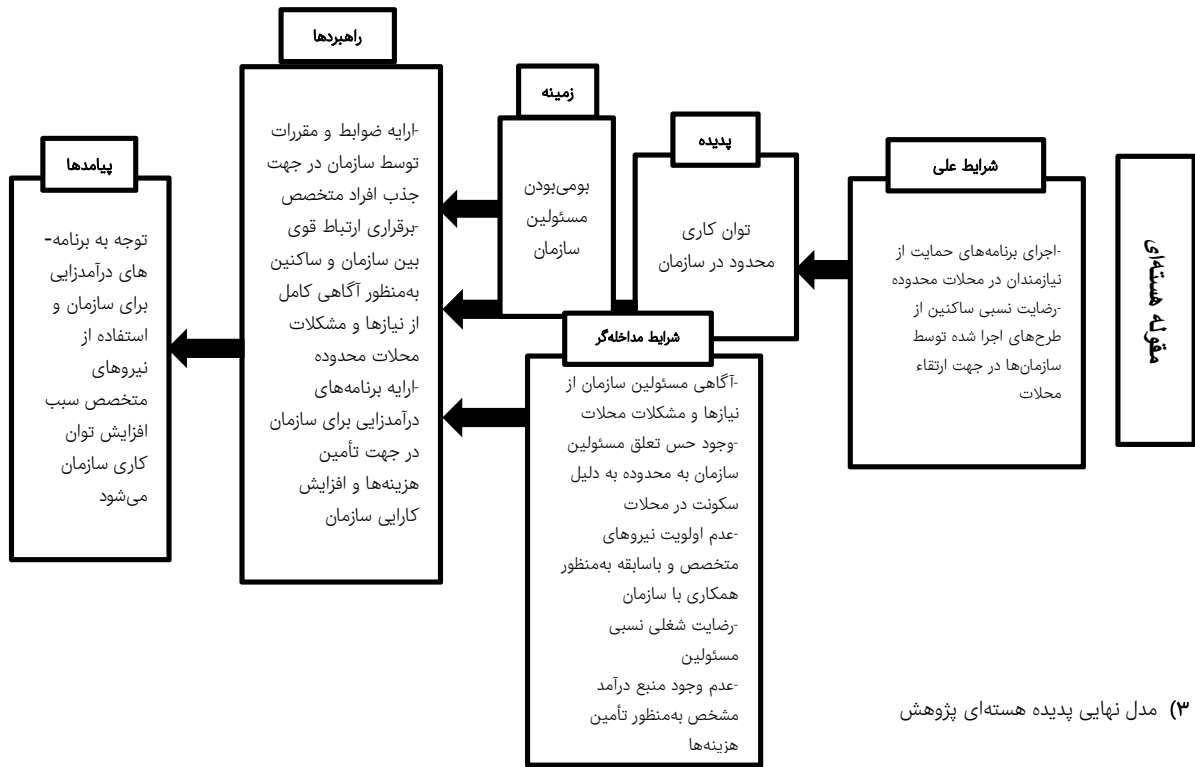
ساکنین، رضایت اجتماعی از سکونت در محلات، مدت سکونت بالای ساکنین در محلات، وضعیت اقتصادی نابسامان جامعه، عدم توانایی ساکنین محلات به‌منظور مشارکت مالی در برنامه‌ها، بودجه محدود شهرداری‌ها به‌منظور حمایت از سازمان‌های مردمی، آگاهی مسئولین سازمان از نیازها و مشکلات محلات، وجود حس تعلق مسئولین سازمان به محدوده به‌دلیل سکونت در محلات، عدم اولویت نیروهای متخصص و باسابقه به‌منظور همکاری با سازمان، رضایت شغلی نسبی مسئولین وعدم وجود منبع درآمد مشخص به‌منظور تأمین هزینه‌ها از جمله شرایط مداخله‌گر بودند.

مقوله محوری ۱، پدیده اعتماد اجتماعی است که شرایط علی آن، حمایت‌های مادی و معنوی سازمان از نیازمندان، ارتباط سازمان با ساکنین و همدلی با آنها و برنامه‌های سازمان به‌منظور جلب مشارکت ساکنین است که در زمینه همدلی و یکپارچگی محلات محدود رخ داده است. از جمله شرایط مداخله‌گر در این پدیده نیز می‌توان از سکونت مسئولین سازمان در محدوده، وجود حس تعلق در محلات محدود، یکپارچگی قومیتی و طبقاتی بین ساکنین، رضایت اجتماعی از سکونت در محلات و مدت سکونت بالای ساکنین در محلات نام برد. راهبردهای ارائه‌شده برای این پدیده نیز پاسخگوبودن مسئولین به ساکنین، برقراری ارتباط قوی با ساکنین، حمایت مالی و معنوی از ساکنین، ارایه برنامه‌های تشویقی برای جلب مشارکت ساکنین و آگاه‌سازی ساکنین از مجموعه تصمیمات و برنامه‌های ارتقاء محله است. در نهایت نیز باید این نکته را در نظر داشت که توجه به ساکنین و نیازهایشان سبب افزایش تمایل آنها به مشارکت می‌شود.

مقوله محوری ۲، محدودیت در درآمد سازمان است که شرایط علی آن، عدم اختصاص بودجه کافی به سازمان از سوی سازمان‌های بالادست و اختصاص بودجه موجود سازمان به برنامه‌های حمایتی محلات محدود است که در زمینه سکونت اقشار فرودست در محلات محدود رخ داده است. از جمله شرایط مداخله‌گر در این پدیده نیز می‌توان از وضعیت اقتصادی نابسامان جامعه، عدم توانایی ساکنین محلات به‌منظور مشارکت مالی در برنامه‌ها و بودجه محدود شهرداری‌ها به‌منظور حمایت از سازمان‌های مردمی نام برد. راهبردهای ارایه شده برای این پدیده نیز جذب سرمایه‌گذاران به محلات محدود، جذب خیرین به‌منظور حمایت از نیازمندان محدود و اشتغال‌زایی در محلات و ایجاد فرصت‌های درآمذزایی برای ساکنین است. درنهایت نیز باید این نکته را در نظر داشت که توجه به برنامه‌های مالی سازمان به‌منظور جذب درآمد سبب افزایش توانایی آن به‌منظور مشارکت در برنامه‌های توانمندسازی محلات محدود می‌شود.

مقوله محوری ۳، توان کاری محدود در سازمان است که شرایط علی آن، اجرای برنامه‌های حمایت از نیازمندان در محلات محدود و رضایت ساکنین از طرح‌های اجراشده توسط سازمان‌ها در جهت ارتقاء محلات است که در زمینه بومی‌بودن مسئولین سازمان در محلات محدود رخ داده است. از جمله شرایط مداخله‌گر در این

- حمایت مالی و معنوی از ساکنین
- آگاهی‌سازی ساکنین از مجموعه تصمیمات و برنامه‌های ارتقای محله
- جذب سرمایه‌گذاران به محلات محدود
- جذب خیرین به‌منظور حمایت از نیازمندان محدود
- اشتغال‌زایی در محلات و ایجاد فرصت‌های درآمدزایی برای ساکنین
- ارائه ضوابط و مقررات توسط سازمان در جهت جذب افراد متخصص
- برقراری ارتباط قوی بین سازمان و ساکنین به‌منظور آگاهی کامل از نیازها و مشکلات محلات محدود
- ارائه برنامه‌های درآمدزایی برای سازمان در جهت تأمین هزینه‌ها و افزایش کارایی سازمان (شکل ۳).



شکل ۳) مدل نهایی پدیده هسته‌ای پژوهش

با راهنمایی و همراهی‌شان تسهیل‌گر انجام این پژوهش بوده‌اند، تشکر شود.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: عاطفه گنجلو (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/پژوهشگر اصلی/نگارنده بحث (۷۰٪)؛ ساناز سعیدی مفرد (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی/روش‌شناس (۳۰٪)

منابع مالی: این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد عاطفه گنجلو در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد با عنوان تحلیل جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای محلی در توانمندسازی اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از روش گراند تئوری است که با راهنمایی دکتر ساناز سعیدی مفرد به انجام رسیده است.

منابع

Akbari H (2015). Identification of urban injuries and abnormalities in urban neighborhoods (the old road of Quchan), Research Report, Mashhad Municipality,

نتیجه‌گیری

در پهنه جمعیتی جاده قدیم قوچان شهر مشهد تشکلهای مردمی فعال بوده که دارای اهدافی همچون کمک به نیازمندان محله و ترویج فرهنگ در محله هستند که به دو صورت رسمی و غیررسمی فعالیت می‌کنند. همچنین محلات مربوطه برخوردار از شورای اجتماعی محلات نیز هستند. اکثر مسئولین این تشکلهای ساکنین محلات مربوطه بوده و حس تعلق زیادی به محله مورد نظر دارند و خوشبختانه تمایل به همکاری در امر توانمندسازی اجتماعی نیز بسیار بالا بوده و براساس بررسی‌های صورت‌گرفته اعتماد اجتماعی بالایی نیز وجود دارد. اما به‌دلیل مشکلات مالی و بودجه محدود و به‌طور کلی توانایی کاری محدود این تشکلهای سبب شده است تا در انجام فعالیت‌های خود با مشکلاتی روبه‌رو باشند.

تشکر و قدردانی: ضروری است از دانشگاه آزاد اسلامی و کلیه استادان و صاحب نظرانی که در طول مدت تحصیل اینجانب در دوره کارشناسی ارشد در دانشکده معماری و شهرسازی واحد مشهد

- Sustainable Development. 2013, 2 May: Tehran. pp. 13-1. [Persian]
- Movahed A, Firoozi MA, Zarei R, Zafari M (2013). The role of NGOs in participating in the reconstruction of old tissues geography Case Study: The worn-out texture of the central part of Ahvaz. *Geography*. 11(36):79-98. [Persian]
- Mashhad Municipality (2013). Cultural and social pathological researches and needs assessment in Mashhad. Mashhad: Mashhad Municipality.
- Narayan D (2002). Empowerment and poverty reduction: A sourcebook. Washington, DC: World Bank.
- Rostamzadeh Y (2012). Organizing and empowering informal settlements in urban neighborhoods by studying the attitudes of local residents, case study: Tohid neighborhood, Bandar Abbas city. *Urban Management*. 29:321-336. [Persian]
- Saeedi Razvani N, Fatemi N (2017). Research method in urban studies. Tehran: Kasra Library Publications. [Persian]
- Sajadi Z, Sadeghi Y (2009). Establishment of NGOs to organize informal settlements case of Islamshahr, Mianabad. *Scientific Journals Management System*. 8(11):7-31.
- Shekeri G, Bargoziideh Z (2007). Management of local organizations and municipalities. Tehran: World Farda Publications. [Persian]
- Roosta M, Sarvar R (2014). Principles and foundations of empowerment of target areas for urban renewal and improvement programs (informal settlements and worn out buildings). Rashidi A, Zahra Mazhab F, editors. Rey City: Islamic Azad University. [Persian]
- UN-Habitat (2005). Slums of the World, the face of urban poverty in the new millennium? United Nations: UN-HABITAT.
- Cultural and Social Studies Office, Advisor to the Research Deputy of Ferdowsi University of Mashhad.
- Asian Development Bank (2010). Access to justice for the urban poor: Toward inclusive cities. Mandaluyong City, Philippines: Asian Development Bank.
- Barry M, Ruther H (2005). Data collection techniques for informal settlement upgrades in Cape Town, South Africa. *URISA Journal*. 17(1):43-52.
- Bashirieh H (2001). Lessons for democracy for all. Tehran: Negahe Moaser.
- Sargolzai Javan T, Hadiani Z (2016). Emphasis on empowering informal settlements through increasing social capital in the Shirabad neighborhood of Zahedan. *Social Welfare Quarterly*. 16(63):185-214. [Persian]
- Kamley MJ, Rezaei A (2011). Factors influencing information intelligence on public organizations in Hamadan city in 2008. *Quarterly Journal of Law Enforcement Management Studies*. 6(1):63-76. [Persian]
- Karl F (2012). Participation in upgrading of informal settlements. [dissertation]. Stockholm: Stockholm University.
- Gharkhlo M, Mire M (2007). Social empowerment, a way for marginalization (Sheikh Abad Qom). *Social Sciences*. 3:126-111. [Persian]
- Majidi MR, Hemisi M (2013). Investigating the role of political and security factors in the policymaking of Iranian people's institutions. *Political Quarterly*. 43(3):45-60. [Persian]
- Mayer SE (2003). Building community capacity: The potential of community foundations.
- Moshiri F, Sarafi M, Dehban M (2013). The position of social capital in empowering and organizing communities living in informal settlements. National Conference on Geography, Urban Development and